



# قدرت پنهان داده‌ها

## مروری بر کتاب **حاکمان ذهن** نوشته ساندرا متس

### مطالعات رسانه



عباس نناج

مترجم کتاب حاکمان ذهن

هر روز، آگاهانه یا ناآگاهانه، اطلاعاتی درباره خودمان تولید می‌کنیم. جست‌وجوهای اینترنتی، پسندیدن یک مطلب در شبکه‌های اجتماعی، تماشای یک ویدئو، خرید یک محصول، کلیک روی یک پیوند و حتی مدت زمانی که برای خواندن یک خبر صرف می‌کنیم، می‌توانند نشانه‌هایی از علایق، ترجیحات و عادت‌های ما باشند. شاید هر کدام از این رفتارها به‌تنهایی ساده و کم‌اهمیت به نظر برسند، اما وقتی در مقیاسی گسترده گردآوری و با روش‌های علم داده، روان‌شناسی و هوش مصنوعی تحلیل می‌شوند، تصویری پیچیده‌تر از شخصیت و رفتار انسان شکل می‌گیرد. پرسش اساسی این است: چه کسانی به این تصویر دسترسی دارند و از آن برای چه هدفی استفاده می‌کنند؟

کتاب «حاکمان ذهن: دانش پیش‌بینی و تغییر رفتار انسان» نوشته ساندرا متس، با عنوان اصلی «The Da-ta-Driven Science of Predicting and Changing Human Behavior» به همین پرسش می‌پردازد. این کتاب توضیح می‌دهد داده‌های دیجیتال چگونه می‌توانند به شناخت ویژگی‌های روان‌شناختی انسان کمک کنند، چگونه می‌توان از این شناخت برای پیش‌بینی رفتار و طراحی پیام‌های متناسب با افراد بهره‌برد و چرا چنین توانایی‌ای، در کنار فرصت‌های ارزشمند، خطراتی جدی برای حریم خصوصی و آزادی انتخاب به همراه دارد.

### دلایل اهمیت «حاکمان ذهن»

انتخاب یک کتاب برای ترجمه تنها به موضوع جذاب آن محدود نمی‌شود؛ اهمیت دیگر آن در این است که چه مسأله‌ای را برای خواننده روشن می‌کند و چه نسبتی با زندگی روزمره او دارد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اهمیت «حاکمان ذهن» همین پیوند مستقیم میان مباحث علمی و تجربه روزمره ما باشد. فناوری‌های دیجیتال دیگر ابزارهایی جدا از زندگی نیستند؛ بخش مهمی از ارتباطات، خرید، آموزش، دریافت اخبار و

حتی تصمیم‌گیری‌های شخصی از مسیر آن‌ها انجام می‌شود. در چنین شرایطی، شناخت سازوکارهای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها دیگر فقط دغدغه متخصصان فناوری یا مدیران شرکت‌های بزرگ نیست. نگاه افراطی است: از یک سو، تصور اینکه فناوری‌های دیجیتال توانایی پیش‌بینی یا جهت‌دهی به انتخاب‌های او به کار گرفته شود.

دلیل دیگر اهمیت کتاب، پرهیز از دو نگاه افراطی است: از یک سو، تصور اینکه فناوری‌های داده‌محور الزاماً تهدیدی برای انسان هستند و از سوی دیگر، این باور که هر پیشرفت فناورانه به‌طور خودکار به بهبود زندگی منجر می‌شود. ساندرا متس نشان می‌دهد یک ابزار تحلیلی می‌تواند برای ارائه خدمات مفیدتر، ارتقای سلامت، بهبود آموزش و کمک به تصمیم‌گیری‌های مالی به کار رود؛ اما همین ظرفیت، اگر بدون شفافیت و مسئولیت‌پذیری استفاده شود، ممکن است به نظارت گسترده، تبعیض یا دست‌کاری رفتار بینجامد. مطالعه این کتاب می‌تواند به خواننده کمک کند از مصرف‌کننده منفعل فناوری به کاربری آگاه‌تر تبدیل شود؛ کاربری که نه از هر ابزار تازاری هراس دارد و نه بدون پرسش، اطلاعات و تصمیم‌های خود را در اختیار سامانه‌های دیجیتال می‌گذارد.



### حاکمان ذهن

دانش پیش‌بینی و تغییر رفتار انسان

- نویسنده: **ساندرا متس**
- مترجم: **عباس نناج**
- انتشارات: **همشهری**
- تعداد صفحات: **۲۲۶ صفحه**
- قیمت: **۳۰۰۰۰ تومان**

**در مرز روان‌شناسی و علم داده** ساندرا متس، دانشمند علوم اجتماعی محاسباتی، استاد مدرسه کسب‌وکار کلمبیا در نیویورک است. زمینه علمی او روان‌شناسی و علوم رایانه را به هم پیوند می‌دهد و محور اصلی پژوهش‌هایش بررسی رابطه میان ردپاهای دیجیتال افراد و ویژگی‌های روان‌شناختی و رفتاری آن‌هاست. بر اساس معرفی رسمی دانشگاه کلمبیا، او در طول یک دهه بیش از ۵۰ مقاله علمی در نشریات دانشگاهی معتبر منتشر کرده و پژوهش‌هایش در رسانه‌هایی مانند اکونومیست، نیویورک تایمز، وال‌استریت ژورنال و فوربز بازتاب یافته است. او همچنین نتایج تحقیقات خود را در اختیار مدیران کسب‌وکار، سیاست‌گذاران و مخاطبان عمومی قرار داده است.

متس مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه فرایبورگ آلمان دریافت کرده و دکترای روان‌شناسی را در دانشگاه کمبریج گذرانده است. جایگاه او تنها به انتشار مقاله محدود نمی‌شود؛ فعالیت دانشگاهی، پژوهشی و آموزشی‌اش با جوایز و تقدیرهایی نیز همراه بوده است. از جمله این افتخارات می‌توان به جایزه مسیر حرفه‌ای پژوهشگران جوان انجمن روان‌شناسی شخصیت و اجتماعی، انتخاب در فهرست استدان برتر زیر ۴۰ سال مدارس کسب‌وکار از سوی Poets & Quants، معرفی در فهرست نخبگان جوان مجله Capital و انتخاب در میان متفکران جوان مجله Pacific Stan-dard اشاره کرد. او همچنین در فهرست ۱۰۰ چهره تأثیرگذار حوزه داده از سوی DataIQ قرار گرفته است.

اهمیت این سوابق برای معرفی «حاکمان ذهن» در آن است که کتاب حاصل مواجهه یک نویسنده عمومی با موضوعی فناورانه نیست؛ نویسنده آن در زمینه پیوند میان داده‌های دیجیتال و روان‌شناسی انسان پژوهش کرده است. البته جایگاه علمی نویسنده به معنای آن نیست که تمام پیش‌بینی‌های الگوریتمی قطعی یا همه‌کارندهای فناوری بی‌خطا هستند. برعکس، یکی از نکات مهم کتاب توجه به محدودیت‌های شناختی و اخلاقی این فناوری‌هاست.

«حاکمان ذهن» تنها اثر مرتبط ساندرا متس با این حوزه نیست. او در سال ۲۰۲۲ کتاب «The Psychology of Technology: Social Science Research in the Age of Big Data» را با موضوع پژوهش‌های علوم

اجتماعی در عصر کلان‌داده تدوین کرد. این مجموعه به بررسی تأثیر فناوری بر رفتار انسان، سلامت روان، روابط اجتماعی و شیوه انجام پژوهش‌های روان‌شناختی می‌پردازد.

**از شناخت انسان تا بازپس‌گیری اختیار** کتاب «حاکمان ذهن» با مقدمه‌ای با عنوان «دهکده دیجیتال» آغاز می‌شود؛ تصویری از جهانی که در آن فعالیت‌های پراکنده افراد به اطلاعاتی تبدیل می‌شوند که می‌توان آنها را ذخیره، ترکیب و تحلیل کرد. نویسنده سپس مباحث را در سه بخش اصلی و سه فصل پیش می‌برد: بخش نخست به رابطه داده‌ها و روان‌شناسی انسان می‌پردازد؛ بخش دوم جنبه‌های مثبت و منفی هدف‌گیری روان‌شناختی را بررسی می‌کند؛ و بخش سوم به راه‌های ایجاد رابطه‌ای مسئولانه‌تر میان افراد، سازمان‌ها و داده‌ها اختصاص دارد.

در بخش نخست، فصل اول با عنوان «مرکزشناسی از روان‌شناسی ما» توضیح می‌دهد الگوریتم‌ها چگونه می‌توانند از نشانه‌های رفتاری برای برآورد ویژگی‌های روان‌شناختی استفاده کنند. فعالیت‌های روزمره دیجیتال، هنگامی که در مقیاس وسیع بررسی می‌شوند، ممکن است اطلاعاتی درباره علایق، ترجیحات و الگوهای شخصیتی به دست دهند. چنین تحلیل‌هایی به معنای دسترسی قطعی به ذهن افراد نیستند؛ آنها برآوردهایی مبتنی بر داده‌ها و روش‌های آماری‌اند. فصل دوم، «هویت‌هایی که در فضای آنلاین می‌سازیم»، به تفاوت میان تصویری می‌پردازد که افراد از خود ارائه می‌کنند و الگوهایی که در رفتار دیجیتال آنها دیده

می‌شود. آنچه افراد می‌گویند، آنچه دوست دارند و آنچه عمل‌انجام می‌دهند همیشه کاملاً یکسان نیست. بررسی مجموعه‌ای از رفتارها می‌تواند شناختی دقیق‌تر از هر نشانه مجزا فراهم کند، اما تفسیر این نشانه‌ها همچنان به زمینه و شرایط وابسته است. فصل سوم، «ردپاهای دیجیتال زندگی ما»، بر این نکته تأکید می‌کند که تقریباً هر تعامل دیجیتال می‌تواند به داده تبدیل شود. ارزش اطلاعات اغلب در پیوند میان نشانه‌های مختلف آشکار و موقعیتی در رفتار انسان بررسی می‌کند. به‌تنهایی، ترکیب داده‌ها می‌تواند برای شناخت الگوهای رفتاری سودمند باشد؛ اما هم‌زمان پرسش‌هایی درباره میزان جمع‌آوری اطلاعات و حدود دسترسی به آن‌ها مطرح می‌کند. فصل چهارم، «وقتی گرسنه‌اید، خودتان نیستید»، نقش شرایط داده‌محور را در رفتار انسان بررسی می‌کند. شخصیت به‌تنهایی همه تصمیم‌های ما را توضیح نمی‌دهد. گرسنگی، خستگی، فشار روانی و محیط می‌توانند بر انتخاب‌ها اثر بگذارند. بنابراین، حتی الگوریتمی که با داده‌های گذشته آموزش دیده است، نمی‌تواند واکنش هر فرد را در هر موقعیتی با قطعیت پیش‌بینی کند. این فصل یادآوری می‌کند که انسان موجودی پیچیده و متأثر از شرایط متغیر است.

بخش دوم کتاب به کاربردهای هدف‌گیری روان‌شناختی و پیامدهای آن اختصاص دارد. فصل پنجم، «بینش‌های روان‌شناختی در عمل»، به استفاده از شناخت داده‌محور برای انتخاب



پیام‌ها و پیشنهادهای می‌پردازد؛ از تبلیغات تجاری گرفته تا نمونه‌هایی که بحث هدف‌گیری سیاسی و پرونده کمبریج آنالیتیکا را به میان می‌آورند. اصل موضوع این است که یک پیام واحد ممکن است برای افراد مختلف اثر یکسانی نداشته باشد و شناخت ویژگی‌های مخاطب می‌تواند شیوه ارائه پیام را تغییر دهد. فصل ششم، «یافتن جنبه‌های مثبت»، بر این نکته تمرکز دارد که داده‌ها فقط ابزار نفوذ نیستند. شناخت الگوهای رفتاری ممکن است برای بهبود سلامت روان، کمک به تصمیم‌گیری‌های مالی و ارائه خدمات متناسب‌تر به افراد مفید باشد. در آموزش نیز تحلیل داده‌ها می‌تواند به شناسایی نیازهای یادگیری کمک کند. البته این کاربردها زمانی ارزشمندند که برشواهد معتبر تکیه داشته باشند و به برجسب‌زنی، نظارت غیرضروری یا تصمیم‌گیری ناعادلانه منجر نشوند. فصل هفتم، «وقتی اوضاع خراب می‌شود»، سوبه‌های پرخطر هدف‌گیری روان‌شناختی را بررسی می‌شوند. اطلاعاتی که برای شناخت مخاطب جمع‌آوری می‌شود، ممکن است بدون آگاهی کافی اویا برای هدفی متفاوت ناقص و مدلل‌های استفاده قرار گیرد. استفاده از داده‌های ناقص و مدلل‌های نامناسب نیز می‌تواند به قضاوت‌های نادرست در



حوزه‌هایی مانند استخدام، اعتبارسنجی مالی و دسترسی به خدمات بینجامد. شخصی‌سازی افراطی محتوا ممکن است افراد را بیشتر در معرض دیدگاه‌های همسو با باورهای قبلی‌شان قرار دهد و فرصت مواجهه با نظره‌های متفاوت را کاهش دهد. بخش سوم کتاب از تشخیص مسأله به سمت یافتن راه‌حل حرکت می‌کند. فصل هشتم، «اما به چیزی بیش از کنترل نیاز داریم»، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا صرف اعطای اختیارهای محدود به کاربران برای مدیریت داده‌هایشان کافی است. آگاهی واقعی از نحوه جمع‌آوری، پردازش و استفاده از اطلاعات، به شفافیت و امکان انتخاب معنادار نیاز دارد؛ نمایش یک متن حقوقی طولانی لزوماً به معنای رضایت آگاهانه نیست. فصل نهم، «ایجاد زیست‌بوم داده‌ای بهتر»، مسأله‌ها را از مسئولیت فردی فراتر می‌برد و به نقش شرکت‌ها، توسعه‌دهندگان و نهادهای عمومی توجه می‌کند. حفاظت از اطلاعات، توضیح روشن درباره شیوه استفاده از داده‌ها و ایجاد سازوکارهایی برای پیشگیری از تبعیض و آسیب، بخشی از مسئولیت سازمان‌هایی است که از داده‌ها بهره می‌گیرند. در فصل دهم، «باهم همراه شویم»، اهمیت همکاری میان افراد، کسب‌وکارها، پژوهشگران و سیاست‌گذاران برجسته می‌شود. مسئولانه داده‌ها تنها با تصمیم‌های فردی یا راه‌حل‌های فنی به نتیجه نمی‌رسد؛ به گفت‌وگو، مسئولیت‌پذیری و قواعدی نیاز دارد که منافع عمومی و حقوق افراد را در نظر بگیرند. کتاب در پایان، با تأکید بر مسئولیت اخلاقی در شکل دادن به آینده، خواننده را به بازاندیشی در رابطه خود با فناوری دعوت می‌کند.

### دعوتی به استفاده آگاهانه از داده‌ها

در نهایت، ارزش کتاب «حاکمان ذهن» در این نیست که اندک دنا الگوریتم‌ها می‌توانند ذهن انسان را به‌طور کامل بخوانند یا آینده رفتار او را با قطعیت پیش‌بینی کنند. اهمیت کتاب در طرح پرسشی اساسی‌تر است: در جهانی که اطلاعات شخصی به منبعی برای شناخت و اثرگذاری تبدیل شده، چگونه می‌توان از ظرفیت داده‌ها برای بهبود زندگی استفاده کرد، به‌طوری‌که حریم خصوصی، استقلال و آزادی انتخاب افراد تضمین شود؟ این پرسش به آینده‌ای دور تعلق ندارد؛ با هر جست‌وجو، هر تعامل دیجیتال و هر تصمیمی که در محیط آنلاین می‌گیریم، بخشی از زندگی امروز ماست. از این منظر، مطالعه «حاکمان ذهن» نه فقط آشنایی با فناوری، بلکه گامی برای تقویت سواد دیجیتال و نگاه انتقادی به رابطه انسان و داده است.

### سلاحی در خدمت بی‌ثبات‌سازی

نویسنده در فصل هفتم کتاب با عنوان «جنگ جهانی سایبری» دامنه بحث را از رسانه و شبکه اجتماعی به زیرساخت‌های فنی می‌برد چراکه جنگ سایبری فقط یک کردن یک وبسایت یا سرقت اطلاعات نیست، حمله به شبکه برق، بانک‌ها، بیمارستان‌ها، سامانه‌های ارتباطی و پایگاه‌های داده می‌تواند زندگی روزمره را مختل کند. نویسنده در این بخش تعریف می‌کند: «در این فصل زمانی توجه دارد. بنا بر نوشته کولون، یک حمله سایبری زمانی بیشترین اثر را می‌گذارد که جامعه نداند چه اتفاقی افتاده و چه کسی مسئول آن است؛ ابهام، بخشی از اثرگذاری عملیات سایبری است. حاصل مستقیم این روند، موضوع محوری فصل هشتم با عنوان «جنگ علیه اطلاعات: اطلاعات نادرست، سلاح بی‌ثبات‌سازی جمعی» اطلاعات نادرست را به عنوان سلاحی برای بی‌ثبات‌سازی جمعی تعریف می‌کند. در این فصل تأکید می‌شود که همه مشکلات فضای اطلاعاتی دروغ‌های ساده و قابل شناسایی نیستند و سلاح اصلی این روش، گاهی ایجاد حسنگی و بی‌اعتمادی است. نویسنده در فصل نهم با عنوان «فراسه یکسان» چگونه به راه رسمیت شناختن آن تأخیری می‌کند» با نگاهی انتقادی به ساختار سیاسی و امنیتی کشور خود، نشان می‌دهد نخبگان پاریس چگونه برای سال‌ها با اتکا

مخاطب اثر بگذارند: «رهبر القاعده در سال ۲۰۰۲ می‌نویسد: واضح است که جنگ رسانه‌ای در قرن بیست‌ویکم یکی از قدرتمندترین روش‌هاست.» در آن دوران القاعده در جنگ اطلاعات جهانی به پیروزی قطعی دست یافت که این امر آمریکا و تمامی کشورهای غربی را بر آن داشت تا سازوکارهای تازاری برای پروپاگاندا علیه کشورهای غیرهمسوس با خود بیابند. آطور که در این فصل آمده، طی یک دهه گذشته، شرکت‌های خصوصی که خدمات تأثیرگذاری بر افکار عمومی ارائه می‌دهند رو به فزونی گذاشته‌اند، و کولون بیشترین بدنامی را در این بین به حساب آمریکا و اسرائیل گذاشته و معتقد است: «در عصر جنگ جهانی اطلاعات، شرکت‌های روابط عمومی به مزدوران اطلاعاتی تبدیل شده‌اند؛ بازیگرانی که هم مطلوب‌اند و هم هراس‌انگیز.»

با ارتقای قابل توجه سطح فناوری‌های ارتباطی و ورود به عصر «Web 2.0» ماهیت این نیرو در مرحله‌ای خطرناک‌تر شد؛ مرحله‌ای که در فصل پنجم، «نبرد دکه‌های اشتراک‌گذاری در رسانه‌های اجتماعی» به آن پرداخته شده است. نویسنده نشان می‌دهد بلتفرم‌های غول‌پیکر نظیر یوتیوبر (شبکه ایکس فعلی) چگونه به پایه تحریک خشم، دواغه‌سازی و اعتیاد به توجه بنا شدند؛ «یوتیوبر به‌سرعت تأثیر خبر را منحول کرد؛ به موتور محرک روزنامه‌نگاری سیاسی در بسیاری از کشورها تبدیل شد، به هرکس بلندگوی شخصی خودش را داد، به پروپاگانداپیست‌ها اجازه داد تا روزنامه‌نگاران را دور بزنند و به کاربانش امکان داد تا درگیری‌ها را به صورت زنده دنبال کنند.» و در این بین دکه‌های لایک و بازنشر، میدان نبرد را سطح دولتی‌ها به درون خانه و بین شهروندان آورد. فصل ششم با عنوان «روسیه جنگ تمام‌عیار اطلاعاتی به راه می‌اندازد» به تجربه روسیه در این نبرد اختصاص دارد. کولون برای توضیح روش‌های مسکو به میراث ضروری، مفهوم «اقدامات فعال» و ایده «کنترل بازتابی» بازمی‌گردد، یعنی تلاش برای آنکه طرف مقابل، ناخواسته تصمیمی بگیرد که در نهایت به سود طراح عملیات تمام شود. نویسنده با اشاره به این زمینه می‌پردازد: «رسانه‌ها در «ک. گ. ب. در قالبی مدرن و آنچه به «دکترین گراسیموف» شهرت یافت، نشان می‌دهد که کرملین چگونه شکاف‌های هویتی، نژادی و سیاسی در جوامع غربی را شناسایی کرد و بر آن اساس سیاست‌های خود را پیش برد.

# نبرد خاموش دیجیتال

## بررسی تاریخ تحلیلی تلاش قدرت‌های جهانی

### برای تسخیر اذهان در جنگ جهانی اطلاعات نوشته دیوید کولون



مریم شهزادی

گروه کتاب

جنگ‌های امروزی لزوماً با صدای انفجار آغاز نمی‌شوند؛ گاهی یک تصویر بریده‌شده، یک روایت ساختگی، یک خبر جعلی یا شناسایی یا خبری که هزاران بار بازنشر می‌شود، اولین گلوله‌های نبردی است که میدان آن افکار عمومی و ذهن شهروندان را نشانه می‌رود. کتاب «جنگ جهانی اطلاعات» نوشته دیوید کولون، به ترجمه اسماعیل یزدان‌پور که انتشارات تانبه آن را منتشر کرده، تاریخ شکل‌گیری و گسترش همین نبرد پنهان را دنبال می‌کند. کولون در این اثر، جنگ اطلاعاتی را به حمله سایبری یا انتشار خبر جعلی تقلیل نمی‌دهد؛ او از مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از رسانه، فناوری، تبلیغات، جاسوسی، عملیات روانی و مهندسی افکار عمومی سخن می‌گوید. کتاب در دوازده فصل و نتیجه‌گیری تنظیم شده و از جنگ خلیج فارس تا جنگ اوکراین و همچنین آینده جنگ شناختی چین را به عنوان حلقه‌های یک زنجیره واحد بررسی می‌کند.

### طوفان صحرا، آغازگر نبردی نوین

دیوید کولون، مورخ، پژوهشگر و استاد سرشناس مدرسه علوم سیاسی پاریس، سال‌هاست که بنای پژوهش‌های علمی خود را بر بررسی سازوکارهای تبلیغات سیاسی، افکار عمومی و دکتین‌های امنیتی متمرکز کرده است. اعتبار کولون در محافل آکادمیک و راهبردی اروپا از آنجا ناشی می‌شود که او پیچیده دستکاری اطلاعاتی را در قالب تحولات ژئوپلیتیک، فناوری‌های نو ظهور و رقابت قدرت‌های بزرگ صورت‌بندی می‌کند. کتاب «جنگ جهانی اطلاعات» با عنوان فرعی «تاریخ تحلیلی تلاش قدرت‌های جهانی برای تسخیر اذهان» با پیشگفتاری از اسماعیل یزدان‌پرست آغاز می‌شود؛ او از این کتاب به عنوان جامع‌ترین اثری یاد می‌کند که تاکنون درباره مفهوم جنگ اطلاعات در دوران معاصر نوشته شده: «دیوید

کولون، مورخ و پژوهشگر برجسته فرانسوی، با وسواس مثال‌زدنی، تاریخ سی سال گذشته را از منظر نو می‌گردد و نشان می‌دهد که چگونه اطلاعات از یک منبع قدرت، به خود قدرت تبدیل شده است. قدرتی که گاه برنده‌تر از موشک‌ها و ویرانگرتر از بمب‌ها عمل می‌کند.» و یکی از مهم‌ترین دلایل ترجمه این کتاب را «سلطه اطلاعاتی» آمریکا را کالبد شکافی کند و هم مقاومت‌های شکل گرفته در برابر آن را نه صرفاً به عنوان «اقدامات بدخواهانه»، بلکه به عنوان واکنش‌هایی ژئوپلیتیک در موازنه قدرت جهانی درک کند.

کولون در فصل اول کتاب با عنوان «جنگ خلیج فارس، نقطه آغازین جنگ جهانی اطلاعات»، نقطه آغازین این منازعه بی‌پایان را جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس می‌داند. عملیات «طوفان صحرا» تنها نمایش قدرت تسلیحات